

# گزاشته‌ها

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۴۰۱ [انتشار: زمستان ۱۴۰۲]

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، سی سال تلاش • معرّفی کهن‌ترین نسخه چهارمقاله نظامی عروضی، کتابت قرن هشتم هجری / امیر ابوالود • شاعران کجیچی: خانواده‌ها، شعر و اشکال حمایت در آذربایجان و فراتر از آن (قرن چهاردهم تا هفدهم) / کریمت ورنو، ترجمه: مهدی رحیمپور • کتیبه دوزخانه زلمسکورت / احسان شیرازی، با همکاری ایگور انستراخ • پندنامه انوشیروان: دست‌نویسی نویافته از منظومه امیرالشعرا برهانی نیشابوری / مهدی طهباس • یادکرد «خلیج فارس» در قاموس‌های تورات عبری و تلمود / حیدر عبیوس • رساله دموزیات تحریر عبارات / علی بودی • بررسی بیثی از دیوان انوری ایبوردی / محمود علی‌پور • تذکره المعاصرین، تذکره‌ای ناب از سرایندهگان فارسی‌سرا / جمیل جالی، ترجمه: انجم حمید • بیثی نویافته از سنایی غزنوی / محسن احمدپوشی • مثل‌ها و کنایات مشترک فارسی و عربی رایج در فلسطین / سهیل باری گنڈو • عارف ایچی یا عارف الحی اصفهانی؟ (ادراکی بر یک بدخوانی از مصحح لطائف الحیال) / محمدمصطفی خاتمی • بررسی کتاب تلفظ در شعر کهن فارسی (اوراست دوم) / مهدی کمالی • برگ‌های کهن از ترجمه پارسی قرآن مجید (قرآن شیرازی) / میلاد یگلدو • نقلی بر کتاب نظامی گنجوی: زندگی و آثار/ مهدی فیروززاد • مختصری درباره شیوه ضبط کلمات زبان‌های ایرانی میانه غربی، ایرانی باستان، هلندی باستان و یونانی به خط فارسی / سید احمدرضا قاسمی • شیوه ضبط واژه‌های متون میخی به خط فارسی / سهیل بنیاد • زندگی و آثار فرانضی زاده محمّدسعید افغانی / نسرته صالح • پاسخی به نوشته عارف نوشاهی درباره فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره / علی منوری آقائنده



شده خوان ز عشق دیرت  
گفتی اندر غم رخ لب  
با سنی قدر صدق کنت جلال  
ما که دارم بره بزه و مضام  
کست در دیده دور باب بت  
شاه بر تخت جمهرش رای  
که بطفت نمای رنجیبال  
گفت باوی سنی هک کل روی  
هر زمانه ترا ندیدم  
پریان چون گنینه بر کنای  
پندراست تا بعد قاف  
که سبزه جوان و سپنبل روی  
پیت رامی دراز در پیشت  
کرچه دایم که دل شود بر شیت

## فهرست

### سرخن

مؤسسسه پژوهشی میراث مکتوب: سی سال تلاش ..... ۵-۶

### جستار

- معرفی کهن‌ترین نسخه چهارمقاله نظامی عروضی، کتابت قرن هشتم هجری / امیر ارغوان ..... ۷-۱۸  
 شاعران کججی: خانواده‌ها، شعر و اشکال حمایت در آذربایجان و فراتر از آن (قرن چهاردهم تا هفدهم) /  
 کریمستف ورنر: ترجمه: مهدی رحیم‌پور ..... ۱۹-۳۵  
 کتبه دوزبانه زلمکوت / احسان شواربی: با همکاری ایگنو اشتراوخ ..... ۳۶-۵۵  
 پندنامه انوشیروان: دستنویسی نویافته از منظومه امیرالشعرا برهانی نیشابوری / مهدی طهماسبی ..... ۵۶-۶۹  
 یادکرد «خلیج فارس» در قاموس‌های تورات عبری و تلمود / حیدر عیوضی ..... ۷۰-۷۲  
 رساله رموزات تحریر عبارات / علی بوذری ..... ۷۳-۷۸  
 بررسی بیتی از دیوان انوری ابیوردی / محمود عالی‌پور ..... ۷۹-۸۱  
 تذکره المعاصرین، تذکره‌ای نایاب از سرایندگان فارسی‌سرا / جمیل جالبی: ترجمه: انجم حمید ..... ۸۲-۸۹  
 بیتی نویافته از سنایی غزنوی / محسن احمدوندی ..... ۹۰-۹۲  
 مثل‌ها و کنایات مشترک فارسی و عربی رایج در فلسطین / سهیل یاری گلدزده ..... ۹۳-۹۵  
 عارف ایچی یا عارف الحی اصفهانی؟ (درنگی بر یک بدخوانی از مصحح لطائف الخیال) / محمدصادق خاتمی ..... ۹۶-۹۷

### نقد و بررسی

- بررسی کتاب تلفظ در شعر کهن فارسی (ویراست دوم) / مهدی کمالی ..... ۹۸-۱۱۴  
 برگ‌های کهن از ترجمه پارسی قرآن مجید (قرآن شیرانی) / میلاد بیگدلو ..... ۱۱۵-۱۲۳  
 نقدی بر کتاب نظامی گنجوی: زندگی و آثار / مهدی فیروزیان ..... ۱۲۴-۱۳۲

### پژوهش‌های دبالتی

- مختصری درباره شیوه ضبط کلمات زبان‌های ایرانی میانه غربی، ایرانی باستان، هندی باستان و یونانی به  
 خط فارسی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۳۳-۱۳۷  
 شیوه ضبط واژه‌های متون میخی به خط فارسی / سهیل دلشاد ..... ۱۳۸-۱۴۶

### ایران در متون و منابع عثمانی (۲۶)

- زندگی و آثار فرائضی‌زاده محمدسعید افندی / نصرالله صالحی ..... ۱۴۷-۱۴۹

### دبارة نوسازی پیرین

- پاسخی به نوشته عارف نوشاهی درباره فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره /  
 علی صفری آق‌قلعه ..... ۱۵۰-۱۵۵



سالنامه  
میراث  
میراث



(۱۴۰۲-۱۳۷۲)

## شیوه ضبط واژه‌های متون میخی به خط فارسی\*

سهیل دلشاد

پژوهش‌گر در حوزه کتیبه‌شناسی و زبان‌شناسی هخامنشی  
soheil.delshad88@gmail.com

آسیا صحبت به میان آورده می‌شود، منظور خطوط و زبان‌های مختلفی است که بسیاری از آن‌ها بر پایه خط ابداع شده برای نگارش هجاها موجود در زبان سومری ایجاد شده‌اند. بنابراین قابل انتظار است که کاربران خطوط ایجاد شده بر پایه خط میخی سومری (مانند آکدی، حتی، عیلامی، اورارتویی و حوری)، یعنی کاتبان باستانی در غرب آسیا، نیز با اشکالات و ابهامات متعددی در نشان دادن صامت‌ها و مصوت‌های زبان خود به خط میخی روبرو بوده باشند. پژوهشگران معاصر نیز وارث همین اشکالات و ابهامات موجود در متون میخی متنوع هستند. بنابراین طبیعی است که از آغاز مطالعات روش‌مند در حوزه خط میخی از میانه قرن نوزدهم بدین سو، شیوه ثبت نام‌ها و واژگان مستخرج از این متون در منابع غربی دست‌خوش تغییرات زیادی شده باشد و در مکاتب مختلف شرق‌شناسی شیوه‌های متفاوتی برای نگارش واژگان مستخرج از متون میخی وجود داشته باشد. بخشی از این تفاوت نیز ناشی از شکل‌گیری سنت شرق‌شناسی بر پایه متون کتاب مقدس و منابع کلاسیک یونانی و رومی در باب تاریخ غرب آسیا است.

در منابع فارسی نیز این تفاوت‌ها در برگردان واژگان و نام‌های موجود در متون خط میخی وجود دارد. قرن‌ها پیش از رمزگشایی خط میخی و آشنایی مجدد ایرانیان با سنت نگارشی خط میخی، برخی از واژگان موجود در منابع میخی تنها از طریق کتاب تورات به منابع فارسی راه پیدا کرده بودند و بسیاری از این واژگان در دوران معاصر در تواریخ نوین منتشر شده به فارسی به‌دفعات استفاده شدند. به نظر می‌رسد درباره شکل نگارش بخشی از این واژگان می‌توان اولویت را به گونه ثبت شده در متون کهن فارسی اختصاص داد. با این وجود، در برخی موارد، مانند نام شاهان ایران باستان که در منابع یهودی از آن‌ها سخن رفته است، این تردید وجود دارد که آیا پیروی از گونه نگارشی کهن این واژگان در متون فارسی عملی است یا خیر (نک. ارفعی، ۱۳۷۶: ۸۳). به نظر می‌رسد براساس یک توافق نانوشته، اکثر پژوهشگران پذیرفته باشند که درباره شکل نوشتاری واژگان باستانی، چون نام شاهان، بیش‌تر به گونه اصلی منعکس شده در منابع

با وجود این‌که عبدالمجید ارفعی پیش‌تر درباره شیوه ثبت متون آکدی و عیلامی بویژه نام‌ها و واژگان موجود در این متون به خط فارسی مطلبی منتشر کرده است (نک. ارفعی، ۱۳۷۶)، با توجه به گسترده و متنوع‌تر شدن میزان استفاده از منابع نوشته شده به این خط در متون علمی و آموزشی به فارسی، لازم است که بار دیگر درباره شیوه ثبت واژگان در این متون بحث شود. مانند هر زبان و متن باستانی دیگر، بحث در باب آوانویسی واژگان موجود در متون میخی به خط فارسی پیچیدگی‌ها و ابهاماتی دارد. اکثر قریب به اتفاق پژوهشگران ایرانی در حرف‌نویسی واژگان برگرفته از متون میخی در آثار فارسی، تلاش می‌کنند از شیوه بین‌المللی استفاده کنند؛ با این حال به نظر نگارنده بحث در رابطه با پیچیدگی‌ها و ابهامات موجود در آوانویسی فارسی متون میخی همچنان مهم و مورد نیاز پژوهشگران ایرانی در حوزه خط میخی است. همان‌طور که در سطور بعدی بحث خواهد شد، پیچیدگی‌ها و ابهامات در حرف‌نویسی واژگان حتی بیش از آوانویسی است، چرا که در مرحله حرف‌نویسی برخی از متون، مانند سومری، عیلامی و آکدی، با پدیده‌هایی چون ثبت تخصیص‌گر و نشانه‌های هم‌آوا (نک. پایین‌تر) روبرو هستیم که در خط فارسی مسئله جدیدی محسوب می‌شوند.

هر گاه از متون میخی و سنت نگارشی میخی در غرب

\* نگارنده بر خود لازم می‌داند که از دوست گرامی، جناب آقای دکتر پارسا دانشمند، بابت مطالعه این مقاله و افزودن یادداشت‌های ارزشمند بدان تشکر نماید. بدیهی است ایرادات احتمالی این نوشته بر عهده نگارنده است.

میخی، مانند خشیارشا<sup>۱</sup> (به جای اخشورش) و داریوش (به جای دارا) در اولویت قرار بگیرد و تنها برای اشاره به وجود این نام‌ها در کتاب مقدس به شیوه نگارش کهن فارسی این نام‌ها ارجاع داده شود. اما در برخی موارد، مانند نام زبان‌ها، اقوام و کشورها به نظر می‌رسد همچنان اختلاف نظر بعضاً عمیقی در پیروی از یک شیوه مشخص وجود دارد. دامنه این اختلافات متأسفانه گاهی تا داوری آثار پژوهشی هم کشیده می‌شود، تا جایی که برخی از داوران و ارزیابان آثار، بدون این‌که واقعاً از پیشینه و عمق مباحث مرتبط با سنت‌های مختلف نگارشی نام زبان‌ها و کشورها مطلع باشند، با پیروی صرف از یک سنت یا یک نظر، درگیر مجادلات بیهوده‌ای بر سر یک گونه نگارشی می‌شوند. با توجه به این حواشی و پیش از پرداختن به جزئیات ثبت واژگان برگرفته از متون میخی به خط فارسی، شاید بهتر باشد درباره شیوه نگارش نام برخی از اقوام، کشورها، تمدن‌ها و زبان‌ها مانند جتی، سومری، عیلامی و اکدی با تکیه بر منابع میخی بحث کوتاهی مطرح شود.

برخی از عناوین و واژگان مرتب با کشورها و زبان‌ها در منابع میخی، که به واسطه متون یهودی به خط فارسی راه یافته‌اند، قاعدتاً با توجه به زمان راه‌یابی این واژگان، به اشکالی نوشته می‌شوند که ممکن است برخی از آن‌ها با توجه به شیوه نگارش فارسی در دوران کنونی و افزایش آگاهی پژوهش‌گران نسبت به تاریخ شرق نزدیک باستان و البته جلوگیری از ابهام در استفاده دوگانه از یک شیوه نگارشی برای دو موضوع کاملاً متفاوت قابل تغییر باشند. در این میان می‌توان به تمدن و زبان جتی اشاره کرد. این عنوان، از آن‌جا که از طریق منابع یهودی به فارسی انتقال یافته بود، تا دهه‌ها بدین شکل استفاده می‌شده، ولی اکنون با گسترده شدن دانش و منابع با دو عنوان جداگانه روبرو هستیم. نخستین عنوان، اصطلاحی است که به زبانی هم‌خانواده با زبان‌های هندواروپایی اطلاق می‌شود و در

یکی از موارد اشتباهی که متأسفانه به دفعات در متون فارسی دیده می‌شود استفاده از «خشیار» و «خشیارشا» به جای «خشیارشا» است. گویا برخی از نویسندگان و پژوهش‌گران می‌اندیشند جزء دوم این نام باید ختم به «شاه» شود، در صورتی که در حقیقت واژه مرتبط با فرمانروایی و شاهی (xšay-) در بخش نخست ستاک این واژه (xšayaršān-) وجود دارد.

در مورد زبان حورّی و اورارتویی نیز باید گفت که املای حورّی، بنا بر شیوه نگارشی این زبان و مکان در متون میخی به همان زبان، به شکل خورّخ (KUR)hur-ru-hé) یعنی «[زبان] سرزمین "حورّی"»، در متون اکدی به شکل هزوارشی HUR. RI و در متون جتی به شکل خورلیلی (hurlili) در فارسی مناسب‌تر می‌نماید. باید در نظر داشت که املای حورّی برای

۱. یکی از موارد اشتباهی که متأسفانه به دفعات در متون فارسی دیده می‌شود استفاده از «خشیار» و «خشیارشا» به جای «خشیارشا» است. گویا برخی از نویسندگان و پژوهش‌گران می‌اندیشند جزء دوم این نام باید ختم به «شاه» شود، در صورتی که در حقیقت واژه مرتبط با فرمانروایی و شاهی (xšay-) در بخش نخست ستاک این واژه (xšayaršān-) وجود دارد.



*elamtu* آگدی صورت‌هایی از واژه عیلامی *Haltamti* هستند و بدین ترتیب ایلام به صورت اصلی آن نزدیک‌تر است تا عیلام. اگر بنا بر استفاده از صورت‌های نگارشی منعکس شده در عهد عتیق باشد، باید از صورت اخشورش نیز به جای خشیارشا استفاده شود، که در عمل این اتفاق نمی‌افتد (ارفعی، ۱۳۷۶: ۸۲-۸۳).

یکی از اشکالات این بحث گره زدن شیوه نگارش عیلام به آن‌چه ارفعی (۱۳۷۶: ۸۲) «پیروی از برخی از شرق‌شناسان که تلاش می‌کنند سرزمین ایلام را سرزمین سامی‌نشین به‌شمار آورند» می‌داند است. احتمالاً از میان کسانی که مباحث نگارش عیلام و ایلام را پیگیری می‌کنند، کمتر کسی بر این امر واقف باشد که موضوع مطرح شده توسط ارفعی ریشه در مباحث نخستین در باب نام‌گذاری این زبان و متون آن در قرن نوزدهم میلادی دارد. شاید نخستین مباحث درباره عنوان عیلامی و منشأ سامی و برگرفته از کتاب مقدس دانستن این عنوان توسط ژول آپر<sup>۲</sup> مطرح شد و با توجه به این که در آن روزگار مشخص شده بود که این متون یک زبان سامی را منعکس نمی‌کنند، آپر نام‌گذاری این زبان توسط برخی از پژوهشگران به صورت شوشی و یا عیلامی را بدین دلیل رد نمود که می‌اندیشید نام عیلام رنگ و لعاب سامی دارد، در حالی که این زبان جزو خانواده زبان‌های سامی نیست (OPPURT, 1879: 11).<sup>۳</sup> پاسخ وایسباخ (WEISSBACH, 1890: 22) در رد این ایراد شاید امروزه نیز مورد توجه قرار بگیرد. وایسباخ مثال عنوان مصر در کتاب مقدس را مطرح نمود که به روشنی یک عنوان سامی است (در تورات به شکل میصرایم (מִצְרַיִם) و در متون آگدی به شکل میصرو (*mišru*) نامیده شده است) ولی ارتباطی با زبان غیرسامی مصری باستان ندارد.<sup>۴</sup> بدین ترتیب

عنوان این زبان و قوم از املائی حوری و هوری مناسب‌تر است، چرا که حوری در متون فارسی از دوران کهن در بافت متفاوتی استفاده شده است و هوری نیز با اصل واژه قرابتی ندارد و باعث ابهام خواهد شد. درباره اورارتویی نیز کمابیش همین امر صادق است. اگر بنا را بر توصیف مردم سرزمین اورارتو و متون اورارتویی بگذاریم، گونه نوشتاری *bi-a-i-ni-li* (KUR) بیش‌تر معرّف این سرزمین و مردم و زبان است. اگر بنا را بر گونه‌های نوشتاری موجود در متون آگدی بگذاریم، اشکالی مانند اورارتو (*ú-ra-ar-tu*)، اورارتی (*ú-ra-ar-ti*)، اوروخری (*ú-ru-ḥu-at-ri*) و اوروخری (*ú-ru-at-ri*) را باید پیشنهاد کنیم. اما شکل اورارتو با توجه به نزدیک بودن به آراط در تورات و یکی از گونه‌های نوشتاری این سرزمین در متون آگدی، مناسب‌ترین املاء است. هر چند گونه نوشتاری اورارتو نیز در متون فارسی مرتبط با مطالعات غرب آسیای باستان جا افتاده و رایج است. در مورد استفاده از گونه‌های نگارشی عیلامی و ایلامی، به‌علت گسترده بودن مباحثات پیرامون آن و حواشی بسیار در این باب، نمی‌توان در این‌جا به تفصیل سخن گفت. به‌طور خلاصه بحث اولویت داشتن گونه نگارشی ایلام بر گونه سنتی عیلام و البته اولویت گونه‌های اصلی نگارشی دیگر واژگان باستانی بر گونه‌های نگارشی منعکس شده در متون عهد عتیق، چه به عبری و چه در متون فارسی تحت تأثیر منابع عهد عتیق، توسط ارفعی آغاز شده است. وی در دو مقاله، در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۶، درباره این که چرا گونه نگارشی «ایلام» مناسب‌تر است توضیحات مفصلی ارائه کرده است که شاید بتوان این توضیحات را بدین ترتیب خلاصه نمود:

صورت نگارشی عیلام که در متون عهد عتیق استفاده شده است، در واقع نه منعکس‌کننده صورت سومری این واژه است (چرا که این واژه در سومری به اشکال *NIM-ma<sup>ki</sup>* و *NIM<sup>ki</sup>* نوشته می‌شده) و نه صورت آگدی *elamtu* را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در سومری وجود ندارد و در آگدی نیز اگر بخواهیم صورت *elamtu* را از طریق ریشه‌شناسی عامیانه به ریشه *elû* نسبت بدهیم، باز هم در نوشتن این ریشه از ع استفاده نشده است. احتمالاً *elam(ma)* سومری

2. Jules Oppert.

3. "M. Mordtmann et un jeune savant anglais, M. Sayce, ont employé celle d'élamite, ce serait donc l'idiome de l'Élymaïde ou de la Susiane; mais cela est contraire à la réalité des faits.

D'abord le nom d'Élam, ou bien de l'Elymaïde, comporte une teinte sémitique étrangère à la langue qui nous occupe. Puis, les textes de Suse ne sont pas rédigés dans cette langue, bien que le susien soit également de souche touranienne, et apparenté à la langue médique."

4. "Die Hebräer werden ohne Zweifel die Sprache der alten Ägypter als „Sprache Mišrajims“ bezeichnet haben. Aber aus diesem semitischen Namen hätte ein Fremder nicht schliessen dürfen, dass die Sprache semitisch sei."

موارد بسیاری در متون میخی آگدی (و گاهی در سایر متون) وجود دارد که به شکل کشیده این دو مصوت ختم می‌شود (نک. پایین‌تر)، بهتر است برای نشان دادن تفاوت بین مصوت‌های کوتاه پایانی *i* و *u* و بلند پایانی *ī* و *ū* در متون آگدی، از دو دسته نشانه متفاوت استفاده نمود.

مثال چند صرف از واژه شاه در آگدی: *šarru* ← شَرَو (نهادی مفرد مذکر)، *šarrū* ← شَرَو (نهادی جمع مذکر)، *šarri* ← شَرِی (اضافی مفرد مذکر)، *šarrī* ← شَرِی (اضافی جمع مذکر).

اما درباره دو مورد نخست، یعنی واژگان مختوم به مصوت‌های *a* و *e* تصمیم برای اتخاذ روشی یگانه و بدون انعطاف در مواردی دشوار است، چرا که بنا بر سنت خط فارسی استفاده از های غیرملفوظ برای نوشتن این دست واژگان معمول بوده است.

مثال *ana* ← آنه (به، برای، بر؛ بابلی)؛ *hupe* ← هوپه (آن؛ عیلامی).

با این حال با توجه به این که در گویش معیار فارسی اسامی مختوم به های غیرملفوظ به صورت خودکار با *e* تلفظ می‌شوند، به نظر می‌رسد استفاده از های غیرملفوظ کمک زیادی به رفع ابهام در خوانش نمی‌کند. بنابراین می‌توان به این روش جایگزین اندیشید که به همراه های غیرملفوظ از فتحه و کسره نیز استفاده شود:

مثال *iršara* ← ایرشَرَه (بزرگ؛ عیلامی)؛ *kubuše* ← کوبوشَه (کلاهخود؛ اورارتویی).

با این حال، در ثبت برخی از واژگانی که مختوم به های ملفوظ هستند، مانند «*dah* ← ده» (فرستادم؛ عیلامی) استفاده از سنت معمول خطی به ابهام در تلفظ واژگان می‌انجامد. بنابراین به نظر می‌رسد پیشنهاد ارفعی، یعنی استفاده نکردن از های غیرملفوظ در واژگان مختوم به *e* و *a*، و استفاده از فتحه و کسره (ارفعی، ۱۳۷۶: ۷۷)، جایگزین مناسبی باشد، کما این که در منابع خط میخی به عربی نیز از همین روش استفاده شده است (برای نمونه نک. سلیمان، ۲۰۰۵: ۱۲۱-۱۲۳).

## ۲. ثبت مصوت‌های کوتاه و بلند

برای ثبت مصوت‌های کوتاه *a*، *e* و *o* (چه در جایگاه میانی و

دست‌کم از اواخر قرن نوزدهم بدین سو بسیاری از شرق‌شناسان عنوان عیلامی را با علم به سامی نبودن این زبان استفاده نموده‌اند و این در تناقض با استدلال ارفعی است (نک. ارفعی، ۱۳۷۶: ۸۲).

غیر از مثال نقض یادشده، مباحث ارفعی دارای ایراد دیگری نیز هست. بدین ترتیب که استفاده توأمان از ایلام و ایلامی هم برای یک استان ایران در شمال خوزستان و مردم ساکن آن استان و هم برای یک تمدن و زبان باستانی در محدوده وسیعی از جنوب غرب و جنوب، و حتی دست‌کم بخش‌هایی از مرکز فلات ایران، باعث سردرگمی مخاطب عام می‌شود. مبحث صورت فارسی نام زبان‌های باستانی غرب آسیا، به ویژه زبان‌های حوزه خط میخی، می‌تواند در زمانی مناسب، بیش‌تر بسط پیدا کند.

درباره شیوه ثبت واژگان موجود در متون میخی (مشمول بر زبان‌های سومری، آگدی، عیلامی، جتی، اورارتویی و حوزی) به خط فارسی می‌توان هفت مقوله اساسی را به‌طور کلی به بحث گذاشت:

### ۱. ثبت واژگان مختوم به مصوت (واکه)

از آن‌جا که ماهیت خطوط میخی، جز خط میخی اوگاریتی و تا اندازه‌ای خط میخی فارسی باستان، هجایی است و بسیاری از واژگان مختوم به مصوت هستند، پرسش اساسی و اولیه در آوانویسی واژگان برگرفته از متون میخی به خط فارسی این است که چگونه می‌توان واژگان مختوم به مصوت‌های کوتاه *i*، *e*، *a* و *u* را به خط فارسی نشان داد (بسنجید با شیوه ثبت واژگان ایرانی).

برای ثبت *i* و *u* از آن‌جا که از کیفیت تلفظ این آواها در بسیاری از زبان‌های یاد شده (به جز آگدی) اطلاع چندانی نداریم، بهتر می‌نماید که در برگردان این واژگان به فارسی به ترتیب از [ی] (به جای کسره) و [و] (به جای ضمه) استفاده کنیم (برای سومری نک. SALLABERGER, 2023: 35؛ برای حوزی نک. SALVINI & WEGNER, 2007: 43-44؛ برای اورارتویی نک. VAN DEN HOUT, 2011: 14-15؛ برای جتی نک. WEGNER, 2014: 27-28؛ برای آگدی نک. HUEHNERGARD, 2011: 1؛ برای عیلامی نک. TAVERNIER, 2018: 424-425). با این حال، از آن‌جایی که

- *karū* ← کرو / گرو (پیش‌تر؛ حتی)؛
- *hurrohe* ← خورُخ (خورّیانی؛ حورّی)؛
- *eršetu* ← اِرصتو (زمین؛ آگدی، نهادی مفرد)؛
- *amēlu* ← آمیلو (مرد؛ آگدی)؛ *amēlū* ← آمیلو (مردان؛ آگدی)؛
- *ištaman* ← ایشتمَن (گوش؛ حتی)؛
- *bītu* ← بیتو (خانه؛ آگدی)؛
- *târ-* ← تار (آتش؛ حورّی)؛
- *ûr-* ← وُر (آرزو کردن؛ حورّی).

### ۳. ثبت خوشه‌های همخوان

برای ثبت خوشه‌های همخوان از تشدید استفاده می‌شود، مانند:

- *babbar* ← بَبَر (سفید؛ سومری).
- در برخی واژگان حتی و حورّی (ستاک‌های اسمی و فعلی) واژه به خوشه همخوان ختم می‌شود و به نظر می‌آید در این موارد نیز باید از تشدید استفاده کرد، مانند:
- *šiwatt-* ← شیوت (روز؛ حتی)؛
- *pašš-* ← پَش (فرستادن؛ حورّی).

### ۴. ثبت هزوارش‌های سومری و آگدی

در متون میخی اقتباس شده از خط میخی سومری، تعداد زیادی هزوارش سومری وجود دارد. در برخی از متون مانند متون حتی و اورارتویی هزوارش‌های سومری و آگدی به شکل توأمان استفاده می‌شوند (هزوارش‌های آگدی به شکل ایتالیک نمایش داده می‌شوند). برابر اصلی برخی از هزوارش‌ها در زبان‌های مختلف مشخص نیست و بنابراین در برخی از متون تنها به شکل هزوارشی استفاده شده اکتفا شده است. به‌طور مثال:

- در متون عیلامی: KASKAL (راه، جاده)، GUD (گاو، گله)، PAP (مجموع)، BAR (واحد وزنی تقریباً معادل ۱۰ لیتر)، QA (واحد وزنی تقریباً معادل یک لیتر) و غیره.
- در متون حتی: ANŠE.KUR.RA (اسب)، EME (زبان)، UMMA (بنابراین)، HALZU (قلعه)، IŠME (شنید) و غیره.
- در متون اورارتویی: LUGAL (شاه)، GAL (بزرگ)، DANNU (قدرتمند) و غیره.

چه در جایگاه پایانی) به ترتیب می‌توان از فتحه، کسره و ضمه استفاده نمود. برای ثبت مصوّت‌های کوتاه *i* و *u* در جایگاه میانی قاعدتاً باید به همان شکل ثبت *e* و *o* (یعنی به ترتیب کسره و ضمه) عمل نمود، ولی با توجه به موارد مطرح شده در مقوله نخست، ترجیح نگارنده بر این است که به ترتیب از [ی] و [و] استفاده شود. ولی به‌علت تداخل ثبت *i* و *u* با گونه کشیده این دو مصوّت، به‌ویژه در متون آگدی، بهتر است دست‌کم یک روش جایگزین هم برای ایجاد تمایز بین *i*-*ī* و *u*-*ū*، به‌ویژه در متون آگدی، معرفی شود.

در برگردان آوانویسی مصوّت‌های بلند معمول *ā*، *ē*، *ī* و *ū* و مصوّت‌های بلند حاصل ادغام دو مصوّت، یعنی *â*، *ê*، *î* و *û* (نک. توضیحات ارفعی، ۱۳۷۶: ۷۷-۷۸؛ برای مصوّت‌های بلند حاصل ادغام نک. Huehnergard, 2011: 38-40) پیشنهاد نگارنده بدین ترتیب است:

۱. مصوّت‌های کشیده *ā*، *ē*، *ī* و *ū* به ترتیب با [آ]، [اَ]، [ی] یا [ی] (یا به‌همراه الف مدّی کوتاه) برای *e* و *ī*، [و] یا [و] (واو به‌همراه الف مدّی کوتاه) برای *ū* نشان داده شوند. برای مصوّت کشیده *ō* در آوانویسی متون حورّی نیز از همان روش آوانویسی *ū* استفاده شود.<sup>۵</sup>

۲. برای مصوّت‌های کشیده حاصل ادغام دو مصوّت یعنی *â*، *ê*، *î* و *û* به تأسی از متون علمی عربی مرتبط با سنت خط میخی (برای نمونه نک. سلیمان، ۲۰۰۵: ۱۲۲)، می‌توان از نشانه‌خمان بر روی الف، یاء و واو بدین ترتیب استفاده کرد: [آ] برای *â*، [ی] برای *ê* و *î*، و [و] برای *û*.

برای مثال:

- *abnu* ← اَبنو (سنگ؛ آگدی)؛ *abnū* ← اَبنو (سنگ‌ها؛ آگدی)؛
- *rabû* ← رَبو (بزرگ؛ آگدی)؛
- *šarru* ← شَرّو (شاه؛ آگدی)؛ *šarrū* ← شَرّو (شاهان؛ آگدی)؛
- *šarri* ← شَرّی (متعلق به شاه؛ آگدی)؛ *šarrī* ← شَرّی (متعلق به شاهان؛ آگدی)؛

۵. برای متون حورّی نک. Wegner, 2007: 48-49.

6. circumflex.



- tu<sub>6</sub> ← تو<sub>6</sub> (جادو)؛  
- tu<sub>7</sub> ← تو<sub>7</sub> (سوپ، آش).

#### ۶. ثبت واژگان چندبخشی

برخی واژگان موجود در متون میخی، مانند نام افراد، خدایان، عناوین و غیره، از چند واژه تشکیل و در حرف‌نویسی لاتین با خط تیره به یکدیگر متصل شده‌اند، مانند:

- Tukultī-apil-Ešarra ← توکولتی-آپیل-اِشَر (تیگلت پیل‌سر)؛

- Marduk-nādin-aḫḫē ← مردوک-نادین-اِخّی.

بخش بزرگی از واژگان سومری نیز به شکل حرف‌نویسی و با استفاده از خط تیره بین ارزش‌های آوایی نشانه‌ها نوشته می‌شوند، مانند:

- dumu-lugal ← دومی-لوگل (شاهزاده)؛

- dumu-munus-lugal ← دومی-مونوس-لوگل (شاهدخت).

#### ۷. ثبت تخصیص‌گرها و سایر علائم در زبرنوشت‌ها

بخش بزرگی از خطوط میخی از علائم کمکی برای مشخص نمودن ماهیت واژگان (برای مثال اسم مکان بودن واژه و یا حالت جمع یا (در برخی نظام‌های نگارشی مانند عیلامی) هزوارش و یا وام‌واژه بودن واژه مورد نظر) استفاده می‌کنند. برخی از این علائم تخصیص‌گر<sup>۹</sup> نامیده می‌شوند. در حرف‌نویسی متون میخی این علائم نوشته می‌شوند ولی خوانده نمی‌شوند. در حرف‌نویسی خطوط میخی مختلف، این تخصیص‌گرها، گاه پیش از واژه و گاهی پس از آن، به صورت زبرنوشت نوشته می‌شوند ولی در آوانویسی متون به ندرت استفاده می‌شوند. از آن‌جا که این علائم در حرف‌نویسی واژگان برخی از زبان‌ها، مانند سومری یا عیلامی که عموماً آوانویسی نمی‌شوند، حضور پررنگی دارند، لاجرم در خط فارسی هم باید برای برگردان این موارد روشی را در نظر داشت. نگارنده پیشنهاد می‌کند این موارد هم به صورت زبرنوشت در پس و پیش واژگان اضافه شوند.

مثال:

- lags<sup>ki</sup> ← لگس<sup>کی</sup> (شهر لگش؛ سومری)؛

بهتر است در این دسته از متون هزوارش‌های سومری را به صورت ساده (مثلاً لوگل برای LUGAL) و هزوارش‌های آکدی را به صورت ایرانیک (مثلاً خَلزو برای HALZU) ثبت نماییم.

#### ۵. حرف‌نویسی نشانه‌های هم آوا و چند آوا

از ویژگی‌های مشترک خطوط میخی برگرفته از خط سومری استفاده از نشانه‌های متفاوت هم‌آوا<sup>۷</sup> و نشانه‌های چندآوا<sup>۸</sup> است. به طوری که یک نشانه ممکن است در طول زمان و در اماکن مختلف دارای ارزش‌های آوایی چندگانه باشد و برعکس، یک هجا یا مصوّت می‌تواند توسط چند نشانه مختلف نشان داده شود. با توجه به ارزش معنایی متفاوت نشانه‌های دسته اول در متون میخی آغازین می‌دانیم که احتمالاً ارزش آوایی این نشانه‌های هم‌آوا هم در متون سومری تفاوت‌هایی داشته‌است که کیفیت آن بر ما روشن نیست. روش شماره‌گذاری این نشانه‌ها به ترتیب کشف رمز نشانه مذکور و یا کشف ارزش آوایی جدید آن توسط پژوهش‌گران است، به طوری که برای واکه /a/ در متون میخی، از ابتدای کشف رمز خط میخی در نیمه اول قرن نوزدهم تا دوران معاصر، چهارده نشانه مختلف در متون مختلف از زمان‌ها و مکان‌های متفاوت استفاده می‌شده‌است. روش شماره‌گذاری چنین است که سه نشانه اول به ترتیب با (a<sub>1</sub>), (a<sub>2</sub>), (a<sub>3</sub>) نمایش داده می‌شود. از چهارمین نشانه هم‌آوا به بعد شماره‌ها به صورت زیرنوشت درج می‌شود: a<sub>4</sub>, a<sub>5</sub> و ...

هرچند در آوانویسی واژگان این دسته از نشانه‌ها به ندرت استفاده می‌شوند (غیر از مواردی که نویسنده تخصیص‌گر حاوی این شکل از نشانه‌ها را هم در ابتدا یا انتهای واژگان آوانویسی شده استفاده کرده باشد) به نظر می‌رسد در آوانویسی فارسی واژگان حاوی این نشانه‌های هم‌آوا، به ویژه در متون سومری، چاره‌ای جز نوشتن برابر فارسی نشانه‌ها و استفاده از زیرنوشت شماره‌گذاری شده وجود نداشته باشد، یعنی:

ا، ا، ا، و غیره. چند مثال:

- tu ← تو (پوشاندن)؛

- tu<sub>5</sub> ← تو<sub>5</sub> (شستن)؛

7. homophonous.

8. polyphonus

9. determinative.

- gišzarie- ← گیش زریبی - (باغ میوه؛ اورارتویی)؛

- dingiršimige ← دینگیرشیمیگ (ایزد خورشید؛ حوزی)؛

- kurAššur<sup>ki</sup> ← کور آشور کی (آشور؛ آگدی)؛- Ašulhi<sup>MEŠ</sup> ← آش اولهی میش (خانه، سرای؛ عیلامی)؛

- Éhila- ← خیل - (دربار؛ جتی).

مثال:

- mšat-ti-ú-a-za ← اشتت-تی-و-آ-ز

- Ir-taš-du-na ← ایر-تاش-دو-ن

- dū-ru-ma-az-da ← خ (دینگیر) او<sup>۲</sup>-رو-م-آز-د

جداول عمومی زیر برای برگردان‌های آوایی متون میخی (سومری، آگدی، عیلامی، جتی و حوزی-اورارتویی) به خط فارسی پیشنهاد می‌شود.<sup>۱۰</sup>

۱۰. برای نشان دادن همخوان /ی/ در متون آلمانی به جای [y] از [i] و یا [j] استفاده می‌شود. همخوان /j/ به استثنای هزوارش‌های موجود در متون عیلامی، در واژگان عیلامی وجود ندارد. همخوان سومری /j/ در فارسی باید به شکل خوشه همخوان [در] (مانند هجای دوم واژه بندر) نوشته و خوانده شود.

دسته دیگری از تخصیص‌گرها، که برای مشخص نمودن جنس نام پیش از آن می‌آیند، در حقیقت مخفف واژگان انگلیسی هستند: m برای نام‌های مذکر، f برای نام‌های مؤنث و d برای نام خدایان. پیشنهاد نگارنده این است که در حرف‌نویسی فارسی این نشانه‌ها هم از سه مخفف «م» (مرد)، «ز» (زن) و «خ» (خدا) استفاده شود. در مورد سوم، می‌شود حتی از معادل سومری «دینگیر» (dingir) استفاده نمود.

خط فارسی	حوزی-اورارتویی	جتی	عیلامی	آگدی	سومری	واکه‌ها
ا / آ	a	a	a	a	a	
آ / ا	ā	ā	ā	ā		
ا	-	-	-	â		
ا / ا	e	e	e	e	e	
ا / ا / ی / ی	ē	ē	ē	ē		
ا	-	-	-	ê	i	
ا / ا / ا / ا / ی / ی	i	i	i	i		
ا / ا / ی / ی	ī	ī	ī	ī		
ا	-	-	-	î	u	
ا / ا / ا / ا	u	u	u	u		
ا / ا / ا	ū	ū	ū	ū		
ا	-	-	-	û	-	
ا / ا	o	o	-	-		
ا / ا / ا	ō	ō	-	-		

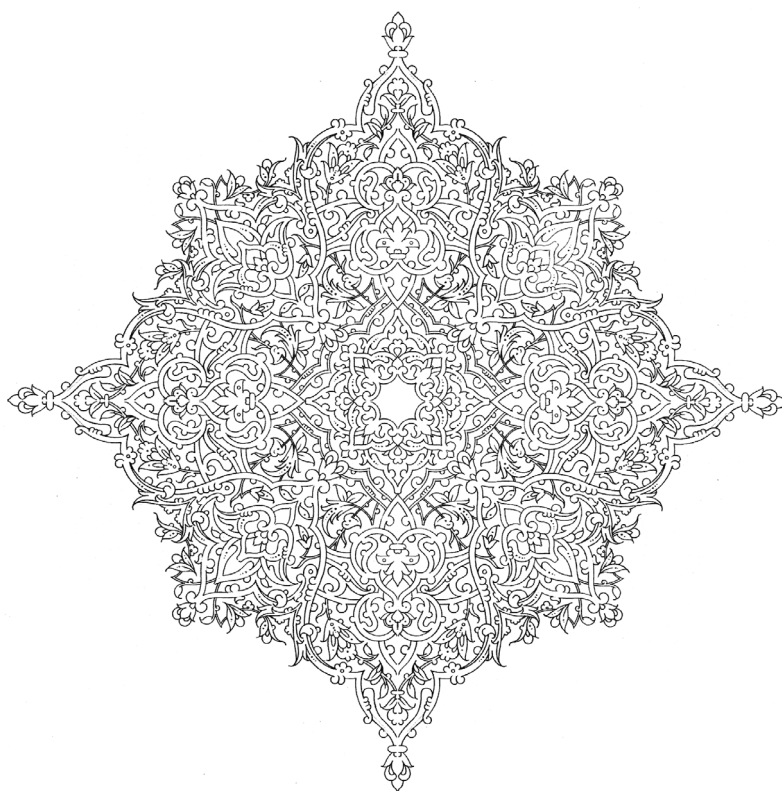
خط فارسی	حورّی-اورارطویی	حِتّی	عیلامی	آگدی	سومری
ء	-	-	-	’	-
ءَ				’a	
ءِ				’e	
ء / ئی				’i	
ئ / ئو				’u	
ب	-	b	b	b	b
تس	c (ts)	-	-	-	-
د	d	d	d	d	d
ف	f	-	-	-	-
گ	g	g	g	g	g
نگ	-	-	-	-	ĝ
ه	-	-	h	-	-
خ	ḫ	ḫ	-	ḫ	ḫ
ک	k	k	k	k	k
ل	l	l	l	l	l
م	m	m	m	m	m
ن	n	n	n	n	n
پ	p	p	p	p	p
ق	q	q	-	q	q
ر	r	r	r	r	r
در	-	-	-	-	ř, d <sup>r</sup>
س	s	s	s	s	s
ص	š	š	-	š	-
ش	š	š	š	š	š
ع	-	-	-	’	-
ت	t	t	t	t	t
ط	ṭ	ṭ	-	ṭ	-
و	w	w	w	w	w
ی	y	y	y	y	y
ز	z	z	z	z	z

همخوان‌ها



## منابع

- OPPERT, J. (1879). *Le peuple et la langue des Mèdes*. Maisonneuve.
- SALLABERGER, W. (2023). *Sumerisch: Eine Einführung in Sprache, Schrift und Texte I. Die sumerische Sprache*. PeWe-Verlag.
- SALVINI, M., & WEGNER, I. (2014). *Einführung in die urartäische Sprache*. Harrassowitz Verlag.
- TAVERNIER, J. (2018). "The Elamite Language". In: J. ÁLVAREZ-MON, G. P. BASELLO, & Y. WICKS (Eds.), *The Elamite World* (pp. 416–449). Routledge, Taylor & Francis Group.
- VAN DEN HOUT, T. (2011). *The Elements of Hittite*. Cambridge University Press.
- WATKINS, C. (2008). "Hittite". In R. D. WOODARD (Ed.), *The Ancient Languages of Asia Minor* (pp. 6–30). Cambridge University Press.
- WEGNER, I. (2007). *Einführung in die hurritische Sprache* (2., überarbeitete Auflage). Harrassowitz Verlag.
- WEISSBACH, F. H. (1890). *Die Achämenideninschriften Zweiter Art*. J. C. Hinrichs'sche Buchhandlung.
- ارفعی، عبدالمجید (۱۳۶۷). «سپیده‌دمی که به روشنایی می‌گراید». مجله باستانشناسی و تاریخ، ش ۱، س ۳ (پاییز و زمستان): ۷۷-۷۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). «شیوه برگردان نام‌ها و واژگان زبان‌های سومری، اکدی (بابل و آشور) و ایلامی به پارسی». در: یاد بهار (یادنامه دکتر مهرداد بهار). تهران: آگاه. ص ۷۵-۸۴.
- سلیمان، عامر (۲۰۰۵م)، اللغة الاکدیة (البابلیة- الآشوریة). جامعة الموصل.
- GÜTERBOCK, H. (1972). "Hethiter, Hethitisch". In: *Reallexikon der Assyriologie und Vorderasiatischen Archäologie* (Vol. 4, pp. 372–375). Walter De Gruyter.
- HUEHNERGARD, John (2011). *A Grammar of Akkadian* (3rd ed.). Eisenbrauns.
- KLINGER, J. (2021). "Hattisch". In: M. P. STRECK (Ed.), *Sprachen des Alten Orients* (4th ed., pp. 158–165). Wissenschaftliche Buchgesellschaft.



## Table of Contents

### Editorial

The Written Heritage Research Institute: Thirty Years of Endeavour..... 5-6

### Articles

- A Review of the Oldest Manuscript of Nizami-ye 'Arūzī's *Chahar Maqala* (The Four Treatises), Copied in the 8th Century AH. / **Amir ARGHAVAN** ..... 7-18
- The Kujujī Poets: Families, Poetry, and Forms of Patronage in Azerbaijan and Beyond (Fourteenth to Seventeenth Centuries) / **Christoph WERNER**; Translated by **Mehdi RAHIMPOUR** ..... 19-35
- The Bilingual Inscription of Zalamkot / **Ehsan SHAVAREBI**; with a contribution by **Ingo STRAUCH** ..... 36-55
- Anūshīrvān's Pand-Nāma (Book of Wisdom); A Newly-Found Manuscript of Amīr-Al-Shu'arā, Burhāni-yi Nayshābūrī's Composition / **Mehdi TAHMASEBI** ..... 56-69
- The Mention of the Persian Gulf in Dictionaries of The Hebrew Bible and Talmud / **Heidar EIVAZI** ..... 70-72
- Resāle-ye *Rumūz-i Tahrīr-i 'Ibārāt* (A Treatise on the Use of Punctuation in Writing) / **Ali BOUZARI** ..... 73-78
- A Study on a Couplet of Anvarī's *Diwan* (Collection of Poems) / **Mahmoud ALIPOUR** ..... 79-81
- Tazkirat-Al-Mu'āsirīn* (Memoirs of the Contemporaries): An Obscure Memoir of Persian Poets / **Jamil JALEBI**; Translated by **Anjom HAMID** ..... 82-89
- A Newly-Found Couplet of Sanā'ī / **Mohsen AHMADVANDI** ..... 90-92
- Shared Persian and Arabic Adages and Allusions Commonly Used In Palestine / **Soheil YARI GOLDARREH** ..... 93-95
- 'Arif-i Ījī or 'Arif-Al-Hay Isfahāni (A Contemplation on an Erroneous Reading by The Editor of *Latā'if-Al-Khīyāl* (Subtleties of Imagination)) / **MohammadSadegh KHATAMI** ..... 96-97

### Reviews and Critiques

- A Review of *Pronunciation in Classical Persian Poetry* (Second Edition) / **Mehdi KAMALI** ..... 98-114
- Old Folios of a Quran Translation In Persian (The So-Called Shīrānī Quran) / **Milad BIGDELOU** ..... 115-123
- A Review of *Nizami-ye Ganjawā: Life and Works* / **Mehdi FIROUZIAN** ..... 124-132

### Essays on Research

- Notes on the Transliteration of Middle Iranian, Old Iranian, Sanskrit, and Greek Words into Persian Script / **Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI** ..... 133-137
- Cuneiform Texts in Persian Script: Transliteration and Transcription / **Soheil DELSHAD** ..... 138-146

### Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

- Life and Works of Muhammad Sa'id Efendi / **Nasrollah SALEHI** ..... 147-149

### On the Previous Articles

- A Response to 'Arīf Naushahi's Article on *The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts* / **Ali SAFARI AQ-QALEH** ..... 150-155

# Gozaresh-e Miras

98 - 99

Quarterly Journal of Textual Criticism,  
Codicology and Iranology  
Third Series, vol. 7, no. 1 - 2, Spring - Summer 2022  
[Pub. Winter 2024]

**Proprietor:**

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

**Managing Director & Editor-in-Chief:**

Akbar Irani

**General Editor:**

Masoud Rastipour

**Managing Editor:**

Younes Taslimi-Pak

**Cover:**

Mahmood Khani

**Print:**

Miras

No. 1182, Enghelab Ave.,  
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,  
Tehran, Iran

**Postal Code:** 1315693519

**Tel:** 66490612, **Fax:** 66406258

**Website:** [www.mirasmaktoob.com](http://www.mirasmaktoob.com)

**E-mail:** [gozaresh@mirasmaktoob.ir](mailto:gozaresh@mirasmaktoob.ir)



## Table of Contents

### Editorial

The Written Heritage Research Institute: Thirty Years of Endeavour..... 5-6

### Articles

- A Review of the Oldest Manuscript of Nizami-ye 'Arūzī's *Chahar Maqala* (The Four Treatises), Copied in the 8th Century AH. / Amir ARGHAVAN ..... 7-18
- The Kujujī Poets: Families, Poetry, and Forms of Patronage in Azerbaijan and Beyond (Fourteenth to Seventeenth Centuries) / Christoph WERNER; Translated by Mehdi RAHIMPOUR ..... 19-35
- The Bilingual Inscription of Zalankot / Ehsan SHAVAREBI; with a contribution by Ingo STRAUCH ..... 36-55
- Anūshīrvān's Pand-Nāma (Book of Wisdom); A Newly-Found Manuscript of Amīr-Al-Shu'arā, Burhāni-yi Nayshābūrī's Composition / Mehdi TAHMASEBI ..... 56-69
- The Mention of the Persian Gulf in Dictionaries of The Hebrew Bible and Talmud / Heidar EIVAZI ..... 70-72
- Resāle-ye Rumūz-i Tahrīr-i 'Ibārāt (A Treatise on the Use of Punctuation in Writing) / Ali BOUZARI ..... 73-78
- A Study on a Couplet of Anvarī's *Diwan* (Collection of Poems) / Mahmoud ALIPOUR ..... 79-81
- Tazkirat-Al-Mu'āsirīn* (Memoirs of the Contemporaries): An Obscure Memoir of Persian Poets / Jamil JALEBI; Translated by Anjom HAMID ..... 82-89
- A Newly-Found Couplet of Sanā'ī / Mohsen AHMADVANDI ..... 90-92
- Shared Persian and Arabic Adages and Allusions Commonly Used In Palestine / Soheil YARI GOLDARREH ..... 93-95
- 'Arif-i Īji or 'Arif-Al-Hay Isfahāni (A Contemplation on an Erroneous Reading by The Editor of *Latā'if-Al-Khīyāl* (Subtleties of Imagination)) / MohammadSadegh KHATAMI ..... 96-97

### Reviews and Critiques

- A Review of *Pronunciation in Classical Persian Poetry* (Second Edition) / Mehdi KAMALI ..... 98-114
- Old Folios of a Quran Translation In Persian (The So-Called Shīrānī Quran) / Milad BIGDELOU ..... 115-123
- A Review of *Nizami-ye Ganjawi: Life and Works* / Mehdi FIROUZIAN ..... 124-132

### Essays on Research

- Notes on the Transliteration of Middle Iranian, Old Iranian, Sanskrit, and Greek Words into Persian Script / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI ..... 133-137
- Cuneiform Texts in Persian Script: Transliteration and Transcription / Soheil DELSHAD ..... 138-146

### Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

- Life and Works of Muhammad Sa'id Efendi / Nasrollah SALEHI ..... 147-149

### On the Previous Articles

- A Response to 'Arīf Naushahi's Article on *The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts* / Ali SAFARI AQ-QALEH ..... 150-155